

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	پیشگفتار چاپ بیست و ششم
۳	مقدمه
	باب اول: کلیات
۱۵	فصل اول: معرفی شرکت تجاری
۱۵	بخش اول: تعریف شرکت
۱۵	مبحث اول: تعریف شرکت مدنی
۱۸	مبحث دوم: تعریف شرکت تجاری
۲۱	بخش دوم: خصایص شرکت تجاری
۲۲	مبحث اول: عناصر تشکیل دهنده شرکت
۳۴	مبحث دوم: جستجوی سود و تقسیم آن میان شرکا
۴۱	فصل دوم: شخصیت حقوقی شرکت تجاری
۴۲	بخش اول: اعطای شخصیت حقوقی
۴۲	مبحث اول: شرکتهای تجاری دارای شخصیت حقوقی
۴۴	مبحث دوم: مبنای حقوقی شخصیت حقوقی شرکت
۴۸	مبحث سوم: آغاز شخصیت حقوقی شرکت
۵۲	مبحث چهارم: تبدیل شرکت تجاری
۵۸	مبحث پنجم: ادغام و تجزیه شرکتهای
۶۱	مبحث ششم: پایان شخصیت حقوقی
۶۲	مبحث هفتم: حدود شخصیت حقوقی شرکت و خطرهای آن
۶۴	بخش دوم: نتایج شخصیت حقوقی شرکت

۶۵	مبحث اول: اسم شرکت
۶۵	مبحث دوم: دارایی شرکت
۶۷	مبحث سوم: اهلیت شرکت تجاری
۶۹	مبحث چهارم: اقامتگاه شرکت
۷۴	مبحث پنجم: تابعیت شرکت
۸۴	فصل سوم: انواع شرکتهای تجاری
۸۴	بخش اول: معرفی انواع شرکتهای تجاری
۸۸	بخش دوم: طبقه‌بندی شرکتهای تجاری
۸۹	مبحث اول: طبقه‌بندیهای ممکن
۹۹	مبحث دوم: طبقه‌بندیهای معمول
	باب دوم: شرکتهای اشخاص
۱۰۳	دفتر اول: قواعد مشترک راجع به شرکتهای اشخاص
۱۰۴	فصل اول: تشکیل شرکت
۱۰۴	بخش اول: قواعد تشکیل شرکت
۱۰۵	مبحث اول: انعقاد قرارداد شرکت
۱۱۹	مبحث دوم: شرایط دیگر تشکیل شرکت
۱۳۱	بخش دوم: آثار تشکیل شرکت
۱۳۱	مبحث اول: ماهیت حقوقی سهم‌الشرکه
۱۴۲	مبحث دوم: حقوق و تعهدات شرکا در مقابل یکدیگر
۱۴۹	بخش سوم: نتایج عدم تشکیل شرکت به سبب بطلان
۱۵۰	مبحث اول: موارد بطلان شرکت
۱۵۱	مبحث دوم: آثار بطلان شرکت
۱۵۳	مبحث سوم: مسئولیت مدنی شرکا در صورت بطلان شرکت
۱۵۵	فصل دوم: انحلال شرکت
۱۵۵	بخش اول: موارد انحلال شرکت
۱۵۶	مبحث اول: انحلال مبتنی بر اراده شرکا

۱۵۷	مبحث دوم: انحلال به سبب از بین رفتن یکی از عناصر شرکت
۱۶۱	مبحث سوم: انحلال مبتنی بر دلایل موجه
۱۶۴	مبحث چهارم: انحلال به سبب وضعیت یکی از شرکا
۱۶۶	بخش دوم: آثار انحلال شرکت
۱۶۶	مبحث اول: تصفیه اموال شرکت
۱۷۶	مبحث دوم: تقسیم دارایی شرکت
۱۷۷	مبحث سوم: دعاوی طلبکاران شرکت علیه شرکا
۱۸۰	دفتر دوم: انواع شرکت‌های اشخاص
۱۸۱	فصل اول: شرکت تضامنی
۱۸۲	بخش اول: تشکیل شرکت تضامنی
۱۸۳	مبحث اول: شرکای شرکت
۱۸۶	مبحث دوم: سرمایه شرکت
۱۸۷	مبحث سوم: اسم شرکت
۱۸۹	مبحث چهارم: موضوع شرکت
۱۹۰	مبحث پنجم: تشریفات تشکیل شرکت
۱۹۰	بخش دوم: سازماندهی شرکت تضامنی
۱۹۰	مبحث اول: اداره شرکت
۲۰۱	مبحث دوم: نقش شرکا در اداره شرکت
۲۰۲	بخش سوم: حیات شرکت تضامنی
۲۰۳	مبحث اول: تغییر شرکا
۲۰۷	مبحث دوم: تبدیل شرکت
۲۰۸	مبحث سوم: تقسیم سود و زیان
۲۱۰	بخش چهارم: انحلال شرکت تضامنی
۲۱۰	مبحث اول: موارد انحلال شرکت
۲۱۲	مبحث دوم: نتایج انحلال شرکت
۲۱۳	فصل دوم: شرکت نسبی
۲۱۳	بخش اول: معرفی شرکت نسبی

۲۱۳	بخش دوم: تشابه شرکت نسبی و شرکت تضامنی
۲۱۵	بخش سوم: خصوصیات شرکت نسبی
۲۱۵	مبحث اول: مسئولیت شرکا
۲۱۷	مبحث دوم: اسم شرکت
۲۱۸	فصل سوم: شرکت مختلط غیر سهامی
۲۲۰	بخش اول: تشکیل شرکت مختلط غیر سهامی
۲۲۰	مبحث اول: شرکای شرکت
۲۲۶	مبحث دوم: آورده‌ها و سرمایه شرکت
۲۲۹	مبحث سوم: اسم شرکت
۲۳۰	بخش دوم: طرفین شرکت مختلط غیر سهامی
۲۳۰	مبحث اول: مدیریت شرکت
۲۳۴	مبحث دوم: نحوه تصمیم‌گیری جمعی شرکا
۲۳۴	بخش سوم: تقسیم سود و زیان شرکت مختلط غیر سهامی
۲۳۵	مبحث اول: تقسیم سود
۲۳۷	مبحث دوم: تقسیم زیان
۲۳۷	بخش چهارم: انحلال شرکت مختلط غیر سهامی
۲۳۸	مبحث اول: موارد انحلال شرکت
۲۴۰	مبحث دوم: نتایج انحلال شرکت
	باب سوم: شرکت با مسئولیت محدود
۲۴۳	فصل اول: معرفی شرکت با مسئولیت محدود
۲۴۳	بخش اول: تاریخچه شرکت با مسئولیت محدود
۲۴۶	بخش دوم: ماهیت حقوقی شرکت با مسئولیت محدود
۲۴۶	مبحث اول: خصایص شرکت
۲۴۹	مبحث دوم: شخصیت حقوقی شرکت
۲۵۰	بخش سوم: ملاحظات اقتصادی راجع به شرکت با مسئولیت محدود

۲۵۴	فصل دوم: تشکیل شرکت با مسئولیت محدود
۲۵۵	بخش اول: شرایط تشکیل شرکت با مسئولیت محدود
۲۵۵	مبحث اول: شرایط شکلی تشکیل شرکت
۲۵۶	مبحث دوم: شرایط ماهوی تشکیل شرکت
۲۶۲	بخش دوم: ضمانت اجراهای عدم رعایت شرایط تشکیل شرکت با مسئولیت محدود
۲۶۲	مبحث اول: بطلان شرکت
۲۶۴	مبحث دوم: مسئولیت مدنی ناشی از عدم تشکیل شرکت
۲۶۸	مبحث سوم: مسئولیت کیفری عدم رعایت قواعد تشکیل شرکت
۲۷۰	فصل سوم: حیات شرکت با مسئولیت محدود
۲۷۰	بخش اول: مدیریت شرکت با مسئولیت محدود
۲۷۰	مبحث اول: نصب و عزل مدیر
۲۷۵	مبحث دوم: اختیارات مدیر
۲۷۷	مبحث سوم: مسئولیت‌های مدیر
۲۸۳	بخش دوم: تصمیمات جمعی راجع به شرکت با مسئولیت محدود
۲۸۳	مبحث اول: تصمیمات عادی
۲۸۷	مبحث دوم: تصمیمات فوق‌العاده
۲۸۸	بخش سوم: نظارت شرکا بر شرکت با مسئولیت محدود
۲۸۹	مبحث اول: نظارت و کنترل فردی شرکا
۲۹۰	مبحث دوم: نظارت و کنترل توسط هیئت نظار
۲۹۳	بخش چهارم: حیات مالی شرکت با مسئولیت محدود
۲۹۳	مبحث اول: منع صدور سهام
۲۹۴	مبحث دوم: وضعیت حسابهای شرکت
۲۹۶	مبحث سوم: انتقال سهم‌الشرکه
۳۰۴	مبحث چهارم: تقسیم منافع شرکت
۳۰۶	مبحث پنجم: تغییر سرمایه شرکت

۳۱۱	فصل چهارم: انحلال شرکت با مسئولیت محدود
۳۱۱	بخش اول: علل عام انحلال شرکت با مسئولیت محدود
۳۱۲	بخش دوم: علل خاص انحلال شرکت با مسئولیت محدود
۳۱۳	بخش سوم: تصفیه شرکت با مسئولیت محدود
۳۱۵	کتابنامه

avabook.com

## معرفی شرکت تجاری

برای آنکه شرکت تجاری شناخته شود لازم است اولاً شرکت تعریف شود و ثانیاً خصایص آن بیان گردد. این دو موضوع را در دو بخش این فصل روشن خواهیم کرد.

### بخش اول: تعریف شرکت

در قانون تجارت ایران تعریفی از شرکت تجاری دیده نمی‌شود. برعکس، قانون مدنی شرکت را تعریف کرده است؛ اما آیا تعریف قانون مدنی از شرکت با آنچه در مورد شرکت تجاری صادق است مطابقت دارد یا خیر؟ پاسخ به این پرسش موکول به این است که ابتدا شرکت مدنی را بشناسیم. این موضوع را در مبحث اول بررسی می‌کنیم. مبحث دوم را نیز به تعریف شرکت تجاری اختصاص خواهیم داد.

### مبحث اول: تعریف شرکت مدنی

در حقوق مدنی، شرکت به دو معنای عام و خاص به کار رفته است.<sup>۱</sup> در معنای عام، شرکت عبارت از عقدی است که در آن طرفین، سرمایه یا کار خود را برای رسیدن

۱. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (مشارکتها، صلح، عطایا)، چاپ اقبال، ۱۳۶۳، ص ۶ به بعد.

به سودی خاص جمع می‌کنند. در این معنا، علاوه بر عقد شرکت، که موضوع مواد ۵۷۱ به بعد قانون مدنی است، عقد مضاربه، عقد مزارعه و عقد مساقات هم از مصادیق شرکت حساب می‌آیند.<sup>۱</sup> در معنای خاص، شرکت یکی از عقود معینی است که همراه با اشاعه در حق مالکیت، ایجاد می‌شود. معمولاً هرگاه در حقوق مدنی از شرکت صحبت می‌شود، مقصود همین نوع اخیر است.

به موجب ماده ۵۷۱ قانون مدنی: «شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیء واحد به نحو اشاعه». این شرکت ممکن است اختیاری یا قهری باشد (ماده ۵۷۲ ق.م). شرکت قهری بر توافق شرکا استوار نیست، بلکه در نتیجه اجتماع حقوق مالکان، به سبب امتزاج یا ارث تحقق می‌یابد (ماده ۵۷۴ ق.م). برعکس، شرکت اختیاری حاصل اراده طرفین است؛ زیرا «یا در نتیجه عقدی از عقود حاصل می‌شود یا در نتیجه عمل شرکا، از قبیل مزج اختیاری یا قبول مالی مشاعاً در ازای عمل چند نفر و نیز اینها» (ماده ۵۷۳ ق.م).

از ملاحظه ماده ۵۷۱ قانون مدنی استنباط می‌شود که شرکت، حالتی است که در آن چند نفر به طور مشاع، مالک مال واحدی هستند؛ یعنی هر یک در جزء جزء مال دارای حق مالکیت‌اند. در این تعریف به ایجاد مالکیت مشاع اشاره نشده است که ممکن است یا ناشی از اراده شرکا باشد یا به صورت قهری تحقق پیدا کند.

آنچه در قانون مدنی جلب توجه می‌کند این است که امکان دارد مالکیت مشاع ناشی از هر عقدی که چنین حالتی را ایجاد می‌کند، باشد و منحصر به عقدی با نام و عنوان شرکت نیست؛ یعنی عقدی که در آن طرفین توافق کنند از حقوق مالکیت اختصاصی خود اعراض و مالکیت مشترکی ایجاد کنند. همان‌طور که در ماده ۵۷۳ قانون مدنی آمده است، شرکت اختیاری ممکن است در نتیجه عقدی از

۱. در خصوص اینکه حيازت مباحات از مصادیق شرکت است، اختلاف نظر وجود دارد. نظر مشهورتر این است که در حيازت هر شخصی مالک آن چیزهایی است که شخصاً حيازت کرده است. البته اگر دو نفر مشترکاً درختی را قطع کنند یا با یک تور ماهیگیری ماهیهایی را صید کنند، شرکت به وجود می‌آید (ر.ک.: کاشانی، محمود، «شرکت مدنی»، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۲، ۱۳۶۵، ص ۹ به بعد).



عقود ایجاد شود؛ مانند اینکه مالکی نیمی از مال خود را به دیگری بفروشد یا صلح یا هبه کند. در این گونه مثالها، سبب مالکیت مشترک (شرکت) در حقیقت عقدی است که عنوان بیع یا صلح یا هبه دارد، نه عقدی به نام شرکت.

در فقه و حقوق مدنی ایران، درباره وجود عقدی مستقل به نام «شرکت» تردیدهایی وجود داشته است.<sup>۱</sup> معدودی از مؤلفان منکر وجود این عقد هستند. به عقیده اینان، شرکت نتیجه امتزاج و اشاعه در مالکیت است و این نتیجه ممکن است یا بر اثر یکی از عقود معین (که شرکت را شامل نمی‌شوند) حاصل شود یا به طور قهری. برعکس، جمعی دیگر برای عقد شرکت اصالت قائل شده‌اند. این گروه عقد شرکت را در ایجاد اشاعه مؤثر دانسته و آن را در کنار بیع، صلح و معاوضه، در زمره عقود معین شمرده‌اند.<sup>۲</sup> ظاهر آقائون مدنی نیز همین نظر را اتخاذ کرده است؛ چه شرکت را در ذیل بحث مربوط به عقود معین آورده است.

اما در حال حاضر، عقیده غالب این است که اجتماع مالکیت اشخاص متعدد در شیء واحد می‌تواند به موجب عقدی صورت گیرد که عقد شرکت نام دارد. این عقد را چنین تعریف کرده‌اند: «عقدی است که به موجب آن دو یا چند شخص، به منظور تصرف مشترک و تقسیم سود و زیان و نگاه به مقصود دیگر، حقوق خود را در میان می‌گذارند تا به جای آن مالک سهمی مشاع از این مجموعه شوند».<sup>۳</sup> در این تعریف، عقد شرکت از اشاعه ساده جدا می‌شود و شرکت در ایجاد آن هدفی خاص را دنبال می‌کنند که می‌تواند یا به صورت بردن و تقسیم سود مادی باشد یا جنبه اخلاقی و اجتماعی داشته باشد؛ مانند کمک به درماندگان و تشویق دانشمندان و محققان.

۱. حقوق مدنی (مشارکتها، صلح، عطا یا)، ص ۱۲ به بعد.

۲. در میان این گروه نیز اتفاق نظر وجود ندارد. عده‌ای صرف وقوع عقد شرکت را کافی برای تحقق اجتماع حقوق مالکان در مال واحد می‌دانند. برعکس، عده‌ای، علاوه بر وقوع عقد شرکت، مزج دو مال قبل یا بعد از عقد را نیز ضروری دانسته‌اند (ر.ک.: «شرکت مدنی»، نشریه دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۲، ص ۲۱).

۳. حقوق مدنی (مشارکتها، صلح، عطا یا)، ص ۱۷.

باید پرسید آیا این تعریف را می‌توان به شرکت به مفهوم قانون تجارت تسری داد یا خیر. پاسخ، البته منفی است؛ اما نفی تعریف مزبور جنبه مطلق ندارد؛ چه همان‌طور که خواهیم دید، بعضی از عناصر تعریف مزبور در تعریف شرکت تجاری نیز به چشم می‌خورد. آنچه باید گفت این است که:

اولاً در شرکت به مفهوم تجاری، هدف شرکا چیزی جز بردن سود و تقسیم آن میان خود نیست. بنابراین، تشکیلاتی که برای هدفهای اخلاقی و اجتماعی و امثال اینها تأسیس و به اصطلاح «تشکیلات غیر تجاری» نامیده می‌شوند، شرکت تجاری به حساب نمی‌آیند.

ثانیاً در شرکت مدنی، ارتباط شخصیتی شرکا با مال مشاع محو نمی‌شود؛ در حالی که در شرکت تجاری شخصیت جمعی شرکا که از آن به «شخصیت حقوقی» تعبیر می‌شود مالک مال می‌گردد. در واقع، در شرکت مدنی فرض بر این است که اموال شرکا به خودشان تعلق دارد و سود و زیان ناشی از اداره شرکت به خود ایشان برمی‌گردد؛ حال آنکه، همان‌طور که خواهیم دید، شرکت تجاری دارای شخصیت حقوقی است و مال مشاع که توسط شرکا در میان گذاشته می‌شود، متعلق به شرکت، یعنی شخص حقوقی است.

اما چگونه می‌توان شرکت تجاری را از شرکت مدنی بازشناخت؟ این سؤالی است که با تعریف شرکت تجاری (در مبحث دوم) سعی در پاسخگویی به آن داریم.

### مبحث دوم: تعریف شرکت تجاری

همان‌طور که گفتیم قانون تجارت ایران، تعریفی از شرکت تجاری ارائه نکرده و در واقع، در ماده ۲۰ که فصل اول از باب سوم قانون تجارت با آن آغاز می‌شود، فقط به شمارش اقسام مختلف شرکت تجاری پرداخته است.

علت سکوت قانون‌گذار ایران این است که در قانون تجارت فرانسه که الگوی قانون تجارت ما بوده است نیز شرکت تجاری تعریف نشده است؛ اما سکوت قانون تجارت فرانسه توجیه‌شدنی است؛ زیرا قانون مدنی این کشور در ماده ۱۸۳۲